



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Delay in Criminal Proceedings; Considering the "Reasonable Time" Criteria in the European Convention on Human Rights

Seyed Mohammad Reza Ehsanpour¹, Javad Habibi*²

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari. Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-8

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-1654-6660

TELL: +989113232336

Email: j.habibi.vakil@gmail.com

Article history:

Received: 29 Jun 2024

Revised: 14 Sep 2024

Accepted: 15 Sep 2024

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

Judicial Delay, Reasonable Time Frame, Judicial System, Criminal Cases, European Convention on Human Right.

ABSTRACT

The prolongation of criminal proceedings has long been a problem that has confronted the judicial system and those who come to the courts with numerous issues. Delays in proceedings exist to a greater or lesser extent in many judicial systems, so that the absence of delays in proceedings in a judicial system is considered strange. The phenomenon of delay in proceedings exists in both civil and criminal cases, but unfortunately, delay in proceedings, especially in criminal matters, has reached worrying dimensions in our country. One of the important issues related to the field of delay in proceedings is the issue of reasonable time in criminal proceedings. In other words, before talking about the causes of delay in proceedings, it should be basically determined how long the duration and time of handling a case is a normal and natural period and amount and when should we talk about delay in proceedings. In determining a reasonable time for criminal proceedings, the best source is the European Convention on Human Rights and the Court formed on its basis. This convention discusses the reasonable and fair time limit for a criminal trial, and the European Court of Human Rights has explained the reasonable time limit for criminal trials in its various opinions. Therefore, in order to determine what is a reasonable and normal time limit for handling criminal cases, referring to this convention and the opinions of the European Court can be very helpful. The Court uses criteria to determine a reasonable time limit; something that can also be applied in criminal trials in our country.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Ehssanpour, SMR & Habibi, J (2025). "Delay in Criminal Proceedings; Considering the "Reasonable Time" Criteria in the European Convention on Human Rights". *Journal of International Criminal Law*, 3(1): 1-8.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

اطاله دادرسی در امور کیفری؛ بانظر داشت ضابطه «مهلت معقول» در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

سید محمدرضا احسان پور^۱، جواد حبیبی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

طولانی شدن دادرسی‌های کیفری از دیرباز به‌عنوان معضلی، دستگاه قضایی و مراجعین به محاکم قضایی را با مسائل عدیده‌ای دست به‌گریبان کرده است. اطاله دادرسی در بسیاری از نظام‌های قضایی کم و بیش وجود دارد به‌گونه‌ای که فقدان اطاله دادرسی در یک نظام قضایی امری عجیب تلقی می‌شود. پدیده اطاله دادرسی در هر دو دعوی مدنی و کیفری وجود دارد اما متأسفانه اطاله دادرسی علی‌الخصوص در امور کیفری در کشور ما ابعاد نگران‌کننده‌ای پیدا کرده است. یکی از مباحث مهمی که به حوزه اطاله دادرسی مرتبط است، بحث مهلت معقول در دادرسی‌های کیفری است. به بیان دیگر باید قبل از صحبت در رابطه با علل اطاله دادرسی، اساساً مشخص کرد که مدت و زمان رسیدگی به یک پرونده تا چه زمانی یک مدت و میزان معمولی و طبیعی است و از چه زمانی باید از اطاله دادرسی سخن گفت. در تشخیص مهلت معقول برای دادرسی‌های کیفری، بهترین منبع، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان تشکیل یافته براساس آن است. در این کنوانسیون از میزان مهلت معقول و منصفانه برای یک دادرسی کیفری سخن به میان آمده و دیوان اروپایی حقوق بشر در آراء گوناگون خود به تبیین مهلت معقول برای دادرسی‌های کیفری پرداخته است. از اینرو برای تشخیص اینکه مهلت متناسب و معمولی برای رسیدگی به دعوی کیفری تا چه میزان است، مراجعه به این کنوانسیون و آراء دیوان اروپایی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. دیوان، معیارهایی را برای تشخیص مهلت معقول به کار می‌گیرد؛ امری که می‌تواند در دادرسی‌های کیفری در کشور ما هم به کار بسته شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸-۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۱۶۵۴-۶۶۶۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۳۲۳۳۳۶

ایمیل: j.habibi.vakil@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اطاله دادرسی، مهلت معقول، نظام قضایی، امور کیفری، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مسلماً تسریع دادرسی‌ها، به ویژه دادرسی‌های کیفری از اهمیت بالایی برخوردار است. طولانی شدن دادرسی‌های کیفری از دیرباز به‌عنوان معضلی، دستگاه قضایی و مراجعین به محاکم قضایی را با مسائل عدیده‌ای دست به گریبان کرده است و مسئولین امر بارها و به کرات نگرانی خود را نسبت به این معضل ابراز و خواستار رفع آن شده‌اند.

در طول رسیدگی، خواه‌ناخواه عواملی وجود دارند که بر روند رسیدگی تأثیرگذارند، این عوامل گاه مفیدند، یعنی بر سرعت رسیدگی و روند دادرسی می‌افزاید، به‌عنوان مثال، دستور یک مقام عالی رتبه قضایی مبنی بر ضرورت پیگیری و رسیدگی به یک پرونده کیفری و یا تأثیرات مفید و مؤثر ناشی از اقدامات و پیگیری یک پرونده توسط یک وکیل متبحر دادگستری. گاه این عوامل نه‌تنها فایده‌ای بر روند تسریع دادرسی ندارند بلکه خود به نحوی از انحاء سبب کندی جریان دادرسی شده و گاهی تا مدت‌های مدیدی جریان رسیدگی را به کلی متوقف می‌سازند و در واقع پرونده را از روند عادی و طبیعی خود باز می‌دارند.

البته اطلاع دادرسی در بسیاری از نظام‌های قضایی کم‌وبیش وجود داشته و دارد به‌گونه‌ای که فقدان اطلاع دادرسی در یک نظام قضایی امری عجیب تلقی می‌شود. اما متأسفانه اطلاع دادرسی علی‌الخصوص در امور کیفری در کشور ما ابعاد نگران‌کننده‌ای پیدا کرده است. طولانی شدن وقت رسیدگی و تأخیر در صدور حکم قطعی، احقاق حق را به تأخیر می‌اندازد و تأخیر در احقاق حق چیزی کمتر از بی‌عدالتی نیست: مضافاً اینکه طولانی شدن فرایند رسیدگی تأثیر منفی در صدور احکام دارد به‌گونه‌ای که به تجربه ثابت شده است که طولانی شدن بی‌مورد محاکمات و افزایش حجم پرونده موجب سردرگمی قضات می‌شود و آراء صادره در چنین پرونده‌هایی عموماً با اشکالات مختلف حقوقی روبه‌رو هستند و در بسیاری از موارد در خور نقض می‌باشند. از این رو می‌توان گفت صرف‌نظر از اینکه سرعت در رسیدگی و صدور رأی، فی‌نفسه امر مطلوبی است، در صدور آراء متقن و منطبق با واقع و بر اساس اصول و

موازن حقوقی هم تأثیر به‌سزایی دارد. از طرف دیگر، افزایش بسیار زیاد پرونده‌های ورودی به نظام قضایی در سال‌های اخیر سبب انباشته شدن پرونده‌های بسیاری در نظام قضایی شده است که باعث شده میانگین زمان رسیدگی و صدور رأی در کشور ما به‌طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از استانداردهای قابل قبول باشد.

پدیده اطلاع دادرسی در هر دو دعوی مدنی و کیفری وجود دارد که با توجه به وجوه اشتراک این دو نوع دعوی در برخی اصول دادرسی، علل اطلاع دادرسی در هر دو مورد تا حدود زیادی مشابه هستند. البته تأخیر در رسیدگی به جرایم، مخصوصاً جرایم عمومی و سنگین، با توجه به تأثیر اجتماعی تأخیر مجازات مجرمان، بیشتر است. شاکی، متهم، دستگاه قضایی و حتی جامعه و اطرافیان طرفین هم از تبعات سوء این معضل در امان نیستند. علاوه‌براین، طولانی شدن رسیدگی‌ها موجب شکستن اقتدار و هیمنه دستگاه قضایی نزد مجرمین حرفه‌ای خواهد شد و آنان را در ارتکاب اعمال مجرمانه خود و برهم زدن نظم عمومی جری‌تر و گستاخ‌تر خواهد ساخت. جامعه نیز وقتی می‌بیند مجرم به‌موقع به سزای اعمال مخرب و زبان‌بار خود نمی‌رسد، از دستگاه قضایی دلسرد و ناامید خواهد شد و دیگر دستگاه قضایی را فرشته عدالت خود به حساب نخواهد آورد. علاوه‌براین، اطلاع دادرسی بار مالی و اقتصادی فراوانی را بر دستگاه قضایی تحمیل می‌نماید و چنانچه پرونده به‌سرعت و در مدت زمان معقولی مورد رسیدگی و اصدار حکم قرار گیرد، هزینه‌ای به مراتب کمتر برای دستگاه قضا در پی خواهد داشت.

۱- مفهوم اطلاع دادرسی

اطلاع در معنای لغوی عبارت است از طول دادن چیزی، دراز کردن و یا به درازا کشیدن (معین/ذیل کلمه). در نوشته‌های حقوقی اطلاع به‌معنای طولانی کردن زمان به‌کار رفته است. اطلاع و تطویل، متضاد سرعت و تسریع بوده و از این جهت در بعضی مقالات حقوقی مترادف با کندی به‌شمار آمده است (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۴۰). لفظ تأخیر نیز مترادف با اطلاع به‌کار رفته است درحالی‌که لفظ تأخیر عام‌تر از لفظ اطلاع بوده و بین

دادرسی کیفری و مدنی، به این مسائل اختصاص داده شده است.

۲- مهلت معقول دادرسی در امور کیفری

یکی از مباحث مهمی که در حوزه بررسی اطاله دادرسی و مطالعه جوانب مختلف پیرامونی آن لازم به توضیح است بحث مهلت معقول در دادرسی‌های کیفری است. به بیان دیگر باید قبل از صحبت در رابطه با علل اطاله دادرسی و دیگر موضوعات، اساساً مشخص کرد که مدت و زمان رسیدگی به یک پرونده تا چه زمانی یک مدت و میزان معمولی و طبیعی است و از چه زمانی باید از اطاله دادرسی سخن گفت. در تشخیص مهلت معقول برای دادرسی‌های کیفری، بهترین منبعی که می‌تواند ما را یاری کند، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان تشکیل یافته براساس آن برای رسیدگی به دعاوی نقض حقوق بشر است. در این کنوانسیون از میزان مهلت معقول و منصفانه برای یک دادرسی کیفری سخن به میان آمده و دیوان اروپایی حقوق بشر در آراء گوناگون خود به تبیین مهلت معقول برای دادرسی‌های کیفری پرداخته است. از اینرو برای تشخیص اینکه مهلت متناسب و معمولی برای رسیدگی به دعاوی کیفری تا چه میزان است، مراجعه به این کنوانسیون و آراء دیوان اروپایی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. در کنوانسیون برای تشخیص بهتر مهلت معقول، دادرسی‌های کیفری را از دعاوی مدنی تفکیک کرده است و هرکدام را با توجه به ویژگی‌ها و مراحل خاص خود مورد بررسی قرار داده است. دیوان اروپایی حقوق بشر، تفسیر خاص خود را درباره مهلت معقول در امور کیفری دارد و در این باره دیوان توجه کافی به ملزومات و ماهیت امور کیفری دارد. در این جا فرصت اینکه وارد این مسأله شویم که دیوان چگونه کیفری بودن یک پرونده را مشخص می‌کند، وجود ندارد، اما به‌طور کلی دیوان روش‌های مختلفی را برای تشخیص این امر مورد نظر داشته است و حتی

این دو مفهوم عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ هر اطاله‌ای تأخیر است، اما هر تأخیری اطاله نیست. اطاله در ادبیات حقوقی برای طولانی شدن غیرطبیعی امر یا موضوعی به‌کار می‌رود. در بین قوانین مرتبط تنها در آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و در بند ۹ ماده ۸۰ آن به صراحت اصطلاح «تطویل دادرسی» به‌کار رفته است.^۱ برخی در تعریف اطاله دادرسی، غرض از اطاله را طولانی شدن نامتعارف و نامعقول جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی دانسته و مقصود از دادرسی را مجموعه عملیات و اقداماتی دانسته که مراجع قضایی برای دستیابی به یک راه حل حقوقی در موضوع‌های قضایی بایستی رعایت کنند (دهخدا/ذیل کلمه). و از طرفی از لحظه وقوع جرم و یا تسلیم شکایت و یا دادخواست تا اعمال مجازات و یا احقاق حق مدت زمانی طول می‌کشد و این امر برای اینکه حق هیچ شخص حقیقی یا حقوقی تضییع نشود، ضروری به نظر می‌رسد و در این میان، هر آن چیزی که به‌صورت غیرطبیعی موجب شود، دادرسی بیش از موعد معمول خود به طول بینجامد به اطاله دادرسی منجر می‌شود. در واقع، هر آن چیزی که به صورت غیر طبیعی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم باعث به‌درازا کشیده شدن رسیدگی به پرونده‌ها از حد متعارف و معقول خود می‌شود به عوامل اطاله دادرسی تعبیر می‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

اطاله دادرسی موضوع این پژوهش، طولانی شدن غیر طبیعی و نامعقول و غیر منطقی و در مواردی غیر قانونی فرایند دادرسی است. لذا می‌بایست با مفاهیمی چون طواری دادرسی، تعلیق، تعویق، توقیف و تجدید دادرسی خلط نشود. هر یک از نهادهای مذکور هرگز به‌عنوان مانعی منفی در روند دادرسی فرض نمی‌شوند، بلکه برعکس برای دادرسی صحیح و عادلانه، تمسک به آنها در موارد لزوم کاملاً ضروری است و به همین جهت هم در قوانین همه کشورها مواد مختلفی از مقررات آیین

در صورتی که برای تطویل دادرسی به‌وسیله خدعه‌آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استغفا از وکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود...».

^۱ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری: «در موارد زیر متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می‌شود... ۹-

دارد، سعی می‌کند در کمال دقت به شکایات رسیدگی کند و از این‌رو به تمامی عوامل موجود در جریان دادرسی که در رعایت مهلت معقول مؤثر هستند توجه دارد. دیوان در قضیه نومستر^۲ علیه اتریش در سال ۱۹۶۸، و در تعدادی از آراء دیگر در زمینه‌های دادرسی کیفری، زمان آغاز دادرسی را زمان مورد اتهام قرار گرفتن فرد می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۳۰). در قضیه فیلیپ برتین علیه فرانسه در سال ۲۰۰۰، دیوان این چنین بیان می‌دارد: «مهلت معقول مقرر شده در بند ۱ ماده ۶ زمانی شروع می‌شود که شخص رسماً مورد اتهام قرار می‌گیرد یا اشخاص مظنون احضار می‌شوند و این تاریخ احضار در مراحل بعدی دادرسی مؤثر بوده است. تفتیش از خانه فرد، زمان دستگیری فرد، زمانی که فرد احساس می‌کند رسماً مورد تعقیب قرار گرفته و یا زمانی که فرد مورد بازجویی‌های اولیه قرار می‌گیرد، همه این موارد، اگرچه هنوز فرد به دادگاه مراجعه نکرده ولی زمان شروع دادرسی محسوب می‌شوند» (آشوری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

بنابراین دیوان با ملاک قرار دادن یک تفسیر انعطاف‌پذیر و جامع‌تر به‌جای تفسیر کاملاً فنی توانسته است زمان شروع دادرسی را با معیارهای گوناگونی ارزیابی کند تا نهایت دفاع را از حقوق اتهامی فرد داشته باشد.

اما در خصوص پایان دادرسی، دیوان اروپایی حقوق بشر، امور کیفری و مدنی را از یکدیگر مجزا ننموده است زیرا که عموماً آخرین تصمیم یک مرجع صالح که به دعوی خاتمه داده و رأی نهایی و قطعی صادر کرده، زمان پایان دادرسی محسوب می‌شوند و عموماً پایان دادرسی همان آخرین تصمیم مرجع صالح قضایی است ولی در اینجا دو واقعیت به چشم می‌خورد: اول اجرای حکم در همان روز ابلاغ حکم، دوم اجرای حکم بعد از ابلاغ حکم. یعنی ما می‌توانیم احکام را در اینجا تقسیم کنیم که برخی از احکام با توجه به ماهیتشان همان لحظه اجرا می‌شوند ولی برخی دیگر بعد از مدتی طبق حکم انجام می‌شوند (خالوزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

برخی تخلفات اداری و مالیاتی را نیز در دسته امور کیفری جای می‌دهد، در حالی که در برخی کشورهای عضو مانند یونان، این امور جایی در موضوعات و دادرسی‌های کیفری ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

دیوان اروپایی حقوق بشر، معیارهای زیر را برای تشخیص مهلت معقول به‌کار می‌گیرد امری که می‌تواند در دادرسی‌های کیفری در کشور ما هم به‌کار بسته شود. آنچه که دیوان دائماً در حال بررسی و بازبینی آن است پاسخ به این سؤال است که آیا مدت زمان رسیدگی به یک دادرسی میزان معقول بوده است؟ و این همان نتیجه ویژه‌ای است که دیوان در پی کشف آن می‌باشد. این تلاش در حالی است که دیوان ابزار خاصی به جز محتوای پرونده در دست ندارد. دیوان برای تحلیل و قضاوت در خصوص مهلت معقول، معیاری کلی را در نظر گرفته است. اول اینکه دیوان موقعیت واقعی قضیه،^۱ و تمام جزئیاتی که در طولانی شدن دادرسی دخالت داشته را مورد بررسی قرار می‌دهد. دوم این موضوع ارزشمند و حیاتی است که دیوان تشخیص بدهد که چه زمانی تعهد نسبت به مهلت معقول نقض شده است و مدت زمان رسیدگی به شکل افراطی و غیر قابل قبولی افزایش یافته است (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۱: ۸۹).

۲-۱- ملاحظات مربوط به دوره زمانی

معمولاً کسانی که در دیوان اقدام به شکایت تجاوز از مهلت معقول می‌کنند منظورشان تمام دوره دادرسی از آغاز تا پایان است. درحالی‌که دیوان با پرونده‌هایی نیز روبه‌رو شده است که فقط از بخشی از دادرسی در مرحله تجدیدنظرخواهی شکایت داشته است. وقتی دیوان با شکایت مواجه می‌شود باید بتواند زمان شروع و پایان دادرسی را دقیقاً مشخص کند. براساس تفسیرهای ارائه شده از سوی دیوان، زمان شروع دادرسی هنگامی است که فرد متهم می‌شود و در دادرسی مدنی، زمانی که پرونده به مرجع قضایی ارجاع می‌شود (قائم‌مقام فراهانی، ۱۳۸۱: ۸۹). دیوان به‌علت تعهدی که نسبت به حقوق افراد

² - Neumeister

¹ - Factual Position

اگر دیوان با یک قضیه برخورد کند که در ابتدا مدت زمانی دادرسی در آن قابل ملاحظه، شگفت انگیز، جدی، غیر معقول، بیش از حد، استثنایی و مفرط باشد، دولت خوانده باید برای این موارد پاسخ قابل قبول داشته باشد و در غیر این صورت هر کدام از این صفات می‌توانند مشخص کنند که تعهد به بند ۱ ماده ۶ نقض شده است. دیوان این توضیح را نمی‌پذیرد که دولتی بیان و اعلام کند که راهنما و الگویی مناسب در سیستم قضایی کشورش برای تشخیص مهلت معقول وجود ندارد. دیوان از کشورها می‌خواهد که به معیارهایی که در رویه قضایی بیان شده توجه داشته باشند.

۲-۳- ماهیت قضیه

عامل دیگری که در تعیین مهلت معقول در یک دادرسی کیفری اثرگذار می‌باشد طبیعت و ماهیت قضیه مطروحه می‌باشد که عبارت است از: پیچیدگی و شرایط حاکم بر پرونده. مهم‌ترین عاملی که بر ماهیت قضیه تأثیرگذار است، پیچیدگی آن است. این پیچیدگی ممکن است ذاتاً مربوط به واقعیات پرونده باشد و یا به علت شرایط خاصی که بر پرونده حاکم بوده ایجاد شده باشد. پیچیدگی که با واقعیات موجود در پرونده ارتباط دارد می‌تواند شامل تعداد زیاد و ماهیت پیچیده و خاص اتهامات، تعداد بسیار افراد مورد اتهام یا خوانده و شهود، ارجاعات متعدد به کارشناس، پیچیدگی‌های خاص دعوای مرتبط با زمین، حصر وراثت بین تعداد زیادی از وراث و مشکلات در مورد استعلام صحت مدارک مختلف و غیره باشد (بازرگان‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۵).

قوانین و مقررات جدید و مبهم نیز می‌توانند باعث پیچیدگی پرونده‌ها شوند علت دیگر پیچیدگی‌ها می‌تواند ناشی از خود دادرسی باشد. از این موارد می‌توان تعداد بسیار شکایات، مشکلات مختلف در دسترسی به اسناد و مدارک و تحلیل آنها و حجم بسیار زیاد این اسناد و مدارک، برخورد کردن دادگاه با شاهدانی که نام و آدرس خود را تغییر داده‌اند آدرس آنها موجود

دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کودلا^۱ علیه لهستان در سال ۲۰۰۰ اینگونه بیان می‌دارد: «کشورهای عضو نمی‌توانند از بند ۱ ماده ۶ اینگونه تفسیر کنند که دادگاه‌های استیناف از حوزه این ماده خارج هستند، بلکه دادگاه‌های استیناف را برای بهره‌مندی بیشتر افراد از عدالت ایجاد کرده‌اند. پس ارجاع یک پرونده به دادگاه‌های استیناف و دادگاه‌های قانون اساسی در حوزه بند ۱ ماده ۶ قرار می‌گیرند چونکه هدف رسیدن فرد به یک حکم نهایی و قطعی است و این حکم می‌تواند از هر طبقه‌ای و هر مرحله‌ای در یک سیستم قضایی صادر شود». (بازرگان‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۴) در قضیه دیگر دیوان رفتار دولت ایتالیا را سرزنش می‌کند که چرا تخلیه خانه را بعد از حکم تخلیه تسریع نمی‌بخشد و آن را طولانی می‌کند. در این قضیه زمان پایان دادرسی روز تخلیه خانه توسط مستأجر یعنی زمان اجرای کامل حکم صادره شناخته شده است.

۲-۲- نقش موقعیت قضیه در تشخیص مهلت معقول

دیوان سعی دارد که تشخیص مهلت معقول را برای هر قضیه به‌طور خاص و با توجه به شرایط همان قضیه مشخص کند و وقتی که دیوان با دقت این شرایط کلی را مورد بررسی قرار داد، می‌تواند شرایط اختصاصی نیز برای آن قضیه در نظر بگیرد. در کل آنچه دیوان به‌عنوان مهلت معقول تعیین می‌کند، خصوصیت نسبی دارد و سعی دارد که هرچه بیشتر با واقعیات موجود در پرونده مطابقت کند. هنگامی که ایتالیا با محکومیت های بسیاری از سوی دیوان به علت نقض بند ۱ ماده ۶ در مورد رعایت مهلت معقول مواجه شد، از دیوان خواست که یک جدول زمانی تهیه کند و اعلام نماید که در هر نوع از جرایم به‌طور طبیعی مهلت معقول چه مدت زمانی است. البته دیوان به کرات اعلام کرده که از تهیه چنین جدول زمانی خودداری می‌کند و چندین بار تکرار کرده است که مهلت معقول هر قضیه به موقعیت و معیارهایی که دیوان در قضیه‌های مختلف بیان کرده، بستگی دارد (کدخدایی، ۱۳۸۰: ۲۷۰).

¹ - Kudlav

اعتراض‌های متعدد به روند رسیدگی، رد صلاحیت قضات که روند رسیدگی را دنبال نمی‌کنند (بازرگان‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۰۱). طبق بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در دادرسی کیفری، تعهد خاصی بر دوش متهم نیست که در جریان دادرسی بسیار فعال باشد تا رسیدگی با سرعت انجام شود، بلکه این وظیفه دادگاه و مقامات قضایی است که بتوانند با تسلط کافی بر پرونده در مهلت معقول به آن رسیدگی کنند. در قضیه پاک^۱ علیه آلمان، دادگاه جریان دادرسی را به بهانه اینکه شاکی از سلامتی روحی و روانی برخوردار نیست، به مدت طولانی به تأخیر انداخت، در اینجا دیوان این چنین نظر می‌دهد که وضعیت نامناسب روحی و روانی شاکی دلیل قانع کننده‌ای نیست که دادگاه در مدت زمان طولانی هیچ اقدامی انجام ندهد و دادرسی را به تأخیر اندازد (سادات اخوی، ۱۳۸۴: ۲۲۸).

البته باید در نظر داشت که تمامی معیارهای ذکر شده در این قسمت برای تشخیص رعایت مهلت معقول در یک کشور و نظام حقوقی بایستی در مجموع و در کنار یکدیگر مورد توجه قرار گیرد تا ملاک وجود یا عدم اطاله دادرسی در آن کشور محسوب گردد.

نتیجه‌گیری

اطاله دادرسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام قضایی، نه تنها باعث تأخیر در احقاق حق می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را نیز تضعیف می‌کند. این پدیده در امور کیفری به دلیل تأثیرات اجتماعی و روانی بر مجرمان و جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مقابله با این معضل، لازم است عوامل مؤثر بر اطاله دادرسی شناسایی و راهکارهای عملی برای کاهش آن ارائه شود. استفاده از معیارهای مهلت معقول دادرسی، بهبود مدیریت پرونده‌ها و افزایش کارایی قضات و وکلا از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش اطاله دادرسی کمک کند. در نهایت، تحقق

نیست، نیابت قضایی داخلی و خارجی، استعلام از مراکز مختلف، رسیدگی به دو پرونده مربوط به یک فرد در دو شعبه از دادگاه‌ها و هماهنگی لازم بین این دو شعبه و تغییر مکان رسیدگی نام برد (پولاکس، ۱۳۸۴: ۶۷).

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز به ماهیت قضیه در تشخیص مهلت معقول توجه نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال در تصادفات چنین بیان می‌دارد که این گونه پرونده‌ها باید در نهایت سرعت مورد رسیدگی قرار گیرد، چون فردی که از تصادف آسیب بسیار دیده است خواهان آن است که هرچه زودتر با توجه به شرایط سخت خود به نتیجه برسد. همچنین در خسارت‌هایی که توسط پلیس به افراد وارد می‌شود و یا در جرایم کیفری که فرد در بازداشت به سر می‌برد، رسیدگی سریع به پرونده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چون هرچه سریعتر به جرایم متهم رسیدگی شود و وضعیت او روشن شود به عدالت نزدیک‌تر است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۴۳). ملاحظه می‌شود که براساس نظر دیوان، مهلت معقول در اینگونه پرونده‌ها با پرونده‌های دیگر تفاوت دارد و تجاوز از این مهلت معقول در هر نوع پرونده می‌تواند موجبات اطاله دادرسی را فراهم آورده و باعث ایجاد حق برای مدعی بر علیه دولت طرف دعوی خود باشد.

۲-۴- توجه به نقش طرفین دعوی

رفتارهای بسیاری از جانب طرفین دعوی را می‌توان مثال زد که می‌تواند در تأخیر دادرسی نقش داشته باشد از جمله: رجوع اولیه به محکمه‌ای که فاقد صلاحیت‌های ذاتی و محلی برای رسیدگی به جرم اتفاق افتاده است، درخواست به تعویق افتادن زمان رسیدگی، تغییر مکرر وکلای مدافع، ارائه اسناد و مدارک جدید، اظهارات جدید در دادگاه که صحت آنها باید به اثبات برسد، عدم حضور در دادگاه، متهم یا شاکی‌ای که از حوزه قضایی خارج شده‌اند، بایگانی اسناد و مدارک و اظهارات، تشخیص هویت شاهدان متعدد، فوت شاکی، تلاش‌های متعدد برای حل و فصل دوستانه که البته منجر به شکست شده است،

¹ - Bock

- طباطبایی، سید احمد (۱۳۸۲). «دادگاه اروپایی حقوق بشر، ساختار و صلاحیت‌های جدید». *مجله اندیشه‌های حقوقی*، ۵: ۱۰۵-۱۳۶.

- قائم مقام فراهانی، عبدالمجید (۱۳۸۱). *حقوق بین‌المللی و رویه‌های قضایی حقوق بشر اروپایی*. تهران: نشر آوای نو.

- کدخدایی، عباس (۱۳۸۰). *ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی*. تهران: نشر میزان.

- لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷). *ترمینولوژی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- مرتضوی، میرمحمد حسین (۱۳۸۷). «نظرات اصلاحی درباره دادگستری». *نشریه کانون وکلای آذربایجان*، ۶: ۳۹-۴۶.

- معین، محمد (۱۳۵۳). *فرهنگ لغت فارسی*. جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عدالت قضایی مستلزم توجه جدی به این موضوع و اجرای سیاست‌های مؤثر برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- آشوری، محمد و همکاران (۱۳۸۶). *حقوق بشر و مفاهیم انصاف، مساوات و عدالت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- بازرگان زاده، مجتبی (۱۳۸۷). *رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

- پولاکس، یورک (۱۳۸۴). «سازوکارهای اجرای احکام دیوان اروپایی حقوق بشر». ترجمه مازیار پیمانی، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۸: ۱۲۷-۱۴۵.

- خالوزاده، سعید (۱۳۸۵). *اتحادیه اروپایی*. تهران: انتشارات سمت.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). *لغت نامه*. جلد هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- سادات اخوی، سیدعلی (۱۳۸۴). «پروتکل شماره ۱۴ و اصلاح سیستم نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۷۰: ۲۱۳-۲۲۸.